جلسه 77-429

**دو‌شنبه - 12/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به روایاتی بود که به آن‌ها استدلال شده بود بر این‌که در حال اختیار نماز بر روی وسیله حمل و نقل مثل دابه قطار هواپیما در حال حرکت جایز نیست و لو بشود تمام شرائط نماز را در آن رعایت کند.

روایت اول که به آن استدلال شده بود این روایتی بود که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده بود که جعلت لی الارض مسجدا و طهورا. که گفته شده بود مفاد این روایت این است که شرط مکان مصلی و مسجَد مصلی این است که روی زمین باشد.

ما در جواب عرض کردیم لسان این روایت لسان امتنان است و این لسان مفادش توسعه است و نه تضییق. مفادش این است که بر خلاف امم سابقه که شرط بود که در مکان‌های خاص عبادت‌شان را انجام بدهند در امت اسلام همچون شرطی نیست، در هر مکانی می‌‌شود نماز خواند.

روایت دوم روایت صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله بود که فرمود لایصلی علی الدابة الفریضة الا المریض. گفته شده بود مفاد این روایت این است که در حال اختیار نباید نماز فریضه را بر روی دابه خواند و دابه خصوصیت ندارد عرفا، هر وسیله حمل و نقل در حال حرکتی مشمول همین حکم است.

ما عرض کردیم که مقتضای جمود بر نص این است که ما بگوییم شرط مکان مصلی این است که روی دابه نباشد و لو دابه در حال توقف. که یک حکم تعبدی می‌‌شود در خصوص دابه. و لکن با توجه به مناسبت حکم و موضوع این خطاب انصراف دارد به این‌که چون عادتا نماز روی دابه امکان رعایت تمام شرائط اختیاری نماز در آن نبوده، ‌استقبال قبله، قیام، رکوع و سجود اختیاری بر ما یصح السجود علیه یا استقرار بدن مصلی، این‌ها شرائطی بود که عادتا کسی که نماز روی دابه می‌‌خواند نمی‌توانست این شرائط را مراعات کند.

شاهد بر این انصراف استثنائی است که در این روایت ذکر کرد که فرمود در مورد مریض که ما گفتیم جایز هست نماز فریضه را روی دابه بخواند یستقبل به الی القبلة. این تعبیر یعنی دیگران او را به طرف قبله بر می‌‌گردانند که نشان می‌‌دهد که نماز با رعایت شرائط اختیاری نمی‌تواند بخواند. یا تعبیر این‌که سجده بر ما یمکن ان یُسجد علیه بکند یا در مورد نافله دارد ایماء بکند به نافله. این‌ها نشان می‌‌دهد که فرض این است که عادتا روی دابه شرائط اختیاری نماز را نمی‌شود مراعات کرد و این روایت ناظر به این مطلب است. نه این‌که کسی که تمام شرائط نماز را می‌‌تواند رعایت کند در نمازی که روی وسیله حمل و نقل می‌‌خواند باز بگوییم این نمازش صحیح نیست.

روایت سوم روایت عبدالله بن سنان بود که گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم ا یصلی الرجل شیئا من المفروض راکبا؟ آیا می‌‌شود انسان نماز فریضه را در حال رکوب سواره بخواند؟ حضرت در جواب فرمود لا الا من ضرورة. نمی‌تواند انسان در حال سواره نماز بخواند مگر ضرورت آن را اقتضاء کند. گفته می‌‌شود مفاد این روایت هم این است که در حال اختیار نماز سواره صحیح نیست.

به نظر ما در این روایت هم همین نکته انصراف هست به این‌که انسان در حال سواره مخصوصا که سواره در آن زمان سواره بر دابه بوده اعم از این‌که آن دابه رویش محمل باشد یا نباشد، و عادتا نمی‌توانستند تمام شرائط اختیاری نماز را مثل استقبال قبله قیام رکوع و سجود اختیاری بر ما یصح السجود علیه را رعایت کنند. و لااقل این نکته منشأ می‌‌شود که انسان شبهه انصراف در مثل این روایت پیدا کند و این مانع از احراز اطلاق می‌‌شود.

مرحوم آقای خوئی در این‌جا یک بحثی را مطرح کردند. فرمودند: بین صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله و این روایت ابن سنآن‌که به نظر ایشان موثقه است چون احمد بن هلال عبرتایی را که در سند روایت عبدالله بن سنان واقع شده ثقه می‌‌داند، ایشان فرموده بین این دو روایت تعارض به عموم من وجه است از این جهت که در صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله مریض را استثناء کرد از عدم جواز صلات فریضه بر دابه، ‌مریض اطلاق دارد چه مضطر باشد به نماز بر روی دابه یا مضطر نباشد. در روایت ابن سنان مضطر را استثناء کرد فرمود لا الا من ضرورة. پس مفاد روایت ابن سنان این است که جایز نیست برای غیر مضطر نماز خواندن روی دابه چه این غیر مضطر مریض باشد مریضی که مضطر نیست یا سالم باشد. نسبت به مریضی که مضطر نیست اطلاق صحیحه عبدالرحمن اقتضاء می‌‌کند که جایز باشد که روی دابه نماز فریضه بخواند اطلاق روایت ابن سنان اقتضاء می‌‌کند جایز نباشد بر این مریضی که مضطر نیست روی دابه نماز بخواند. بعد از تعارض و تساقط در مورد مریض غیر مضطر مرجع عمومات ادله اجزاء و شرائط نماز است که چون روی دابه نمی‌شود عادتا رعایت این شرائط اختیاری نماز و لذا باید مریض غیر مضطر پیاده بشود و روی زمین نماز بخواند.

به نظر ما نیازی به این فرمایش نیست. ما معتقدیم عنوان مریض به مناسبت حکم و موضوع انصراف دارد به فرض اضطرار عرفی. و لذا حتی اگر روایت ابن سنان را ما سندا نپذیریم معتقدیم مریضی می‌‌تواند روی دابه نماز فریضه بخواند که برخی از شرائط اختیاریه نماز در آن رعایت نمی‌شود که عرفا اضطرار عرفی داشته باشد به نماز روی دابه.

روایت چهارمی که به آن استدلال شده بر این‌که نماز روی دابه و مانند آن در حال اختیار صحیح نیست، ‌این روایت صحیحه است که شیخ طوسی در تهذیب نقل می‌‌کند به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب از عبدالله بن جعفر حمیری. عبدالله بن جعفر حمیری می‌‌گوید کتبت الی ابی الحسن علیه السلام به امام هادی علیه السلام نامه نوشتیم روی جعلنی الله فداک موالیک عن آباءک، قربان‌تان بشوم اصحاب شما از پدران شما روایت کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز فریضه را بر راحله خودشان خواندند در روز بارانی ان رسول الله صلی الله علیه و آله صلی الفریضة علی راحلته فی یوم مطیر. بعد عبدالله بن جعفر عرض می‌‌کند که یابن رسول الله آیا اگر باران بیاید و ما در محمل باشیم، ‌زمین خیس باشد و باران اذیت بکند ما را، می‌‌توانیم نماز فریضه را روی محمل بخوانیم؟ یصیبنا المطر و نحن فی محاملنا و الارض مبتلة و المطر یؤذی فهل یجوز لنا یا سیدی ان نصلی فی هذه الحال فی محاملنا أو علی دوابنا الفریضة ان شاءالله؟ فوقع علیه السلام یجوز ذلک مع الضرورة‌الشدیدة امام علیه السلام در جواب نوشتند که در حال ضرورت شدیده مانعی ندارد. گفته می‌‌شود از این روایت هم استفاده می‌‌شود که در حال اختیار نماز در محمل یا روی دابه جایز نیست در نماز فریضه.

به نظر ما همین نکته انصراف در این روایت هم مطرح است که انصراف دارد این روایت به فرض متعارف که نماز در محمل یا بر دابه در او رعایت تمام شرائط اختیاری نماز عادتا نمی‌شود که انسان هم قیام بکند هم بدنش مستقر باشد و هم رکوع و سجود اختیاری بکند بر چیزی که سجود بر آن صحیح است، این عادتا نمی‌شود. و لذ از این جهت حضرت فرمود فقط در حال ضرورت جایز است. و الا اگر فرض بکنیم که در مثال قطار و هواپیما فرض متعارف است که انسان رو به قبله بدون این‌که بدنش تکان شدید بخورد نماز می‌‌خواند با رعایت قیام و رکوع و سجود اختیاری از این روایت بخواهیم استفاده کنیم که این کار جایز نیست، انصافا مشکل است.

روایت پنجمی که مطرح شده روایتی است که شیخ طوسی نقل می‌‌کند از محمد بن علی بن محبوب از احمد بن هلال عبرتایی از عمرو بن عثمآن‌که عمرو بن عثمان ثقفی خزاز است که نجاشی توثیقش کرده از محمد بن عذافر که محمد بن عذافر بن عیسی صیرفی مدائنی است که نجاشی او را هم توثیق کرده، ‌اشکال در سند فقط از ناحیه احمد بن هلال است. محمد بن عذافر می‌‌گوید قلت لابی عبدالله علیه السلام رجل یکون فی وقت الفریضة لاتمکنه الارض من القیام علیها و لا السجود علیها من کثرة الثلج و الماء و المطر و الوحل. محمد بن عذافر می‌‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم شخصی در وقت نماز فریضه نمی‌تواند روی زمین نماز بخواند بخاطر کثرت برف و باران و گل. ایجوز له ان یصلی فی المحمل؟ آیا می‌‌تواند در همان محمل روی دابه نماز فریضه بخواند؟ حضرت در جواب فرمودند نعم هو بمنزلة‌السفینة محمل به منزله سفینه است ان امکنه قائما و الا قاعدا اگر می‌‌تواند ایستاده نماز بخواند نمی‌تواند نشسته نماز بخواند و کل ما کان من ذلک فالله اولی بالعذر یقول الله عز و جل بل الانسان علی نفسه بصیرة. گفته می‌‌شود ذیل این روایت هم چون تعبیر کرده فالله اولی بالعذر تجویز نماز فریضه در محمل مختص می‌‌شود به فرض عذر و اضطرار.

به نظر ما این روایت شامل این نمی‌شود که کسی که نمی‌تواند نماز با رعایت شرائط اختیاری روی محمل بخواند اتفاقا یا روی وسایل نقلیه امروز مثل قطار و هواپیما بخواند این روایت بخواهد آن را منع بکند. چون ممکن است این ذیل که فالله اولی بالعذر مربوط به آن فرضی است که مجبور است نماز نشسته بخواند. ان امکنه قائما و الا قاعدا و کل ما کان من ذلک فالله اولی بالعذر، آن فرض‌هایی که مجبور است نشسته نماز بخواند رعایت شرائط اختیاری نماز را نکند معذور است. بیش از این روایت دلالت نمی‌کند. شاهدش هم این است که حضرت محمل را تشبیه کرد به سفینه و بعدا خواهیم گفت مقتضای روایات جواز نماز فریضه در سفینه است اختیارا.

روایت ششم که باز به آن استدلال می‌‌شود بر این‌که نماز بر روی دابه و مانند آن در حال اختیار جایز نیست، این روایتی است که شیخ طوسی به اسنادش از احمد بن محمد بن عیسی نقل می‌‌کند از علی بن احمد بن اشیم از منصور بن حازم قال سأله احمد بن نعمان منصور بن حازم می‌‌گوید احمد بن نعمان از ایشان سوال کرد مرجع ضمیر ذکر نشده روایت مضمره است و لکن ما عرض کردیم روایات مضمره مخصوصا که راوی شخص جلیل القدری باشد مثل منصور بن حازم، ‌در عرف متشرعه ظاهر بوده که سؤال از امام دارد می‌‌کند، ‌سؤال از امام می‌‌کند نه از غیر امام سؤال کند بعد بگوید از او پرسیدم، این عرفیت ندارد. پس احمد بن نعمان از امام علیه السلام سؤال کرده. گفته اصلی فی محملی و انا مریض، من در محمل نماز می‌‌خوانم در حالی که مریض هستم، ‌امام در جواب فرمودند اما النافلة‌ فنعم و اما الفریضة فلا. نماز نافله را می‌‌توانی در محمل بخوانی اما نماز فریضه را نه. منصور بن حازم می‌‌گوید ذکر احمد شدة وجعه احمد بن نعمان عرض کرد یابن رسول الله من شدیدا دچار درد هستم، ‌حضرت در جواب فرمود انا کنت مریضا شدة المرض من هم شدیدا مریض بودم فکنت آمرهم اذا حضرت الصلاة ینیخوا بی فاحتمل بفراشی فاوضع و اصلی ثم احتمل بفراشی فاوضع فی محملی، من هم شدیدا مریض بودم و لکن به اطرافیانم می‌‌گفتم وقت نماز فریضه من را بردارید. ینیخوا بی، در استبصار هست یقیمونی من را بردارید فاحتمل بفراشی، با بسترم من را بردارید، من را با بسترم بر می‌‌داشتند روی زمین می‌‌گذاشتند نمازم را می‌‌خواندم بعد با همان بستر بر می‌‌داشتند بر محمل می‌‌گذاشتند. از این روایت هم ممکن استفاده بشود که صلات در محمل بر روی دابه اختیارا در صلات فریضه ممنوع است و جایز نیست.

سند این روایت در او علی بن احمد بن اشیم است که توثیق خاص ندارد و لکن به نظر ما بعید نیست که ثقه باشد چون حدودا پنجاه و هفت مورد احمد بن محمد بن عیسی اشعری از او نقل روایت کرده و احمد بن محمد بن عیسی شخص سخت‌گیری بوده در رجال و لذا انسان وثوق پیدا می‌‌کند که علی بن احمد بن اشیم نزد احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی لااقل حسن ظاهر داشته و حسن ظاهر هم اماره عدالت است. و لذا این روایت قابل اعتماد است.

اما دلالت این روایت به نظر ما اشکال دارد. چون عرض کردیم متعارف در نماز در محمل این بود که تمام شرائط اختیاری نماز را نمی‌شد رعایت کرد حداقل به جهت قیام و گاهی هم مشکل استقرار بدن مصلی داشت، گاهی هم مشکل استقبال قبله داشت. و لذا اطلاقش نسبت به جایی که بشود نماز در محمل با تمام شرائط اختیاری نماز خواند، مشکل است.

بر فرض ما از این مطلب هم غمض عین بکنیم باید در این روایت تصرفی بکنیم. چون مورد این روایت مریضی است که شدید الوجع و شدید المرض است. در حالی که در صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله صریحا تجویز شده بود بر همچون مریضی نماز فریضه را روی دابه بخواند یا در محمل بخواند و لذا ما باید این روایت را حمل بکنیم بر یک حکم استحبابی که اگر این مریض تحمل سختی زیاد بکند و بیاید نماز را روی زمین بخواند بهتر است.

خلاصه عرض ما این اطلاقی در روایات پیدا نکردیم که اقتضاء‌ بکند که نماز روی محمل یا روی وسیله‌های نقلیه امروز مثل قطار و هواپیما اشکال داشته باشد که اگر انسان بتواند تمام شرائط اختیاری نماز را رعایت کند باز بگوییم اختیارا جایز نیست که نماز در محمل بخواند یا نماز در قطار و هواپیما بخواند. این انصافا استفاده‌اش از روایات مشکل است و مقتضای اطلاقات اولیه و برائت این است که نماز در این‌ها اشکال نداشته باشد.

مطلب اول این حالا بر فرض کسی اطلاق این روایات را بپذیرد مورد این روایات نماز روی دابه یا نماز در حال رکوب هست و شامل مثل نماز روی تاب نمی‌شود. که تعبیر می‌‌کنند صلات علی الارجوحة. چون این تاب‌هایی که در زمان قدیم هم رایج بود بین دو درخت می‌‌بستند و افراد روی آن تاب استراحت می‌‌کردند نماز می‌‌خواندند این نه صدق می‌‌کند صلات علی الدابة ‌نه صدق می‌‌کند صلات راکبا. حتی اگر این تاب تکان بخورد و لکن مصلی بتواند خودش را روی آن حفظ بکند، این تکان خوردن تاب مانع از صحت نماز نیست چون دلیل بر منع نداریم بعد از این‌که صدق نمی‌کند صلات علی الدابة‌یا صلات راکبا بلکه دلیل بر جواز هم داریم. دلیل بر جواز صحیحه علی بن جعفر است که در تهذیب جلد 2 صفحه 373 مرحوم شیخ طوسی نقل می‌‌کند از علی بن جعفر عن اخیه موسی علیه السلام سألته عن الرجل هل یصلح له ان صلی علی الرف المعلق بین نخلتین فقال ان کان مستویا یقدر علی الصلاة فیه فلابأس. سوال می‌‌کند از نماز روی رفی که آویزان بین دو درخت خرما است، حضرت می‌‌فرماید اگر آن رف کج نیست، صاف است، مستوی است، که می‌‌تواند روی آن نماز بخواند اشکالی ندارد.

برخی این روایت را حمل کردند بر فرضی که رف که از چوب تهیه می‌‌شد بین دو درخت خرما با میخ به این دو درخت محکم بشود، که اصلا تکان هم نمی‌خورد.

ولی این خلاف اطلاق این صحیحه است. برای این‌که گاهی چوب را که از آن رف می‌‌ساختند دو طرفش را سوراخ می‌‌کردند و با طناب به درخت خرما آویزان می‌‌کردند این رف تکان هم می‌‌خورد اطلاق روایت شامل آن هم می‌‌شود. بلکه بعید نیست بگوییم ظاهر تعبیر به معلق همین رف است و الا رفی که با میخ محکم بشود و کوبیده بشود به دو درخت خرما تعبیر به رف‌ آویزان بین دو درخت خرما از آن نمی‌شود و لذا نماز روی رف اشکال ندارد، ‌نماز روی این تاب اشکال ندارد. و لو در اثناء نماز این تاب تکان بخورد اگر شرائط نماز مختل نشود، خود بدن مصلی تکان شدید نخورد و موجب استدبار قبله موجب انحراف از قبله نشود اشکال ندارد.

این راجع به این بحث. ادامه بحث ان‌شاءالله در جلسه آینده.

و الحمد لله رب العالمین.